



زندگی با دیگران

اشکال کار کجاست؟

| محمدحسن یزدانیانه | رئیس اداره اسکان ها در جمعیت هلال احمر |

صليب سرخ و هلال احمر با انگیزه و هدف فعالیت داوطلبانه تأسیس شده است و بنیادگذار آن نیز داوطلب بوده است زیرا ملت ایجاد این نهاد بشردوستانه داوطلب محوری است و ادامه و بقای آن نیز به داوطلب محور بودن بستگی دارد. اگر در یک جمعیت (هلال احمر) به همه موضوعات جامعه پرداخته شود (چه مرتبط و چه غیر مرتبط)، اما به موضوع علت ایجاد که همانا محوریت داوطلبان و فعالیت داوطلبانه است توجه نشود، بقا و ادامه و استمرار آن جمعیت دچار اشکال و افتضاح در عملکرد خواهد بود و دیگر نباید انتظار عملکرد صحیح و ارائه خدمات مفید، موثر و مرتبط با علت ایجاد خود را تولید کند، به همان سرنویست حزب، قدسین و تشکیلات مذهبی که توصیف آن در بالا آریه شد، دچار می شود. هرگاه تمام فعالیت در غیرحوزه خود و غیرهدف خود و خارج از موضوع خود صرف شود، بقای آن در معرض خطر است.

ملا فدراسیون فوتبال برای گسترش و پیشرفت فوتبال بنا شده است یعنی ایجاد آن علت بقای آن نیز محسوب می شود. هرگاه فدراسیون فوتبال از علت ایجادش که فوتبال بوده دور شود علت بقای خود در آن نیز از دست می دهد. مثال‌های زیادی می شود آورد که نشان‌دهنده رابطه علت «جساده» و علت «فکاهی» هر موضوع و پدیده هستند. مثال دیگر، حزبی را در نظر بگیرید بدو تشکیل شده است.

- ۱- سازوکار مناسب برای انجام فعالیت داوطلبانه وجود ندارد بنابراین از ظرفیت استعداد داوطلبان استفاده بهینه نمی شود.
- ۲- پیش از این که به داوطلب ارزش بدهد، به آنها داده شود، به سیستم دولتی و پشتیبانی‌های رسمی متکی بوده است.
- ۳- نهادسازی مناسب و مفید برای فعالیت داوطلبان صورت نگرفته تا امروز پیش از تأکید بر این نهادی‌سازی است داوطلبی در جمعیت به امور حمایتی و -امهت داده شده است.
- ۴- شکل سازماندهی اعضا داوطلبان از



تکات بسیار مهم و برجسته است. طبیعتی است که هنگام فقدان وجود سازمان در یک تشکیلات افتضاح عملکرد دوری از اهداف و وظیفه اصلی، بیامد آن خواهد بود. مرخص است که هنگام مواجه با مسائل داوطلبی قطعا نیاز به سازمان‌دهی ویژه و نخبه‌دار است. از عوامل موفقیت خواهد بود.

- ۵- فقدان پژوهش‌های لازم و مناسب که دلایل و عوامل انگیزش در داوطلبان را بررسی کند و راهکارهای علمی و پژوهش شده را در اختیار قرار دهد.
- ۶- نداشتن برنامه عملیاتی برای حضور اعضا و داوطلبان در فرآیند خدمات داوطلبانه اداری.
- ۷- ایدم‌آزمای این تفاسیر فرهنگ مردم کشور -ما حضور پرشور در برنامه‌های داوطلبانه بوده و خواهد بود. برای همین است که در طول ایام سوزور داوطلبان هلال احمر در جاده‌ها و پایگاه‌های هلال احمر مشغول به انجام فعالیت هستند، اگرچه همین نیز نیاز به کنکاش و ارتقا دارد.

همه می دانیم که فعالیت انسان دوستانه به ازای قدمت انسان و انسانیت واقعیت وجودی دارد. جامعه‌های پسا نمی‌کنیم که انسان و انسانیت با خدمات انسان دوستانه سر و کار نداشته باشد. اما سر یک از آن جوامع بنا به میزان توسعه و تفکرات پیشرفته فیه مربوط به این موضوع را نیز با توجه به توانایی‌های بالقوه و بالفعل همان جامعه در خود به نیکی پساس داشته است. می‌دانیم که جمعیت صلیب سرخ را یک داوطلب بنا نهاد. هم او بود که این جمعیت بشردوستانه را در سراسر جهان عینیت بخشید و به دلیل خیری که در این موجودیت بود هر روز گسترش می‌یابد و به طرفداران آن افزوده می‌شود.

من به تجربه کشورهای دیگر کاری ندارم. ولی می‌دانم و می‌دانید هیچ نبایی و هیچ کاری نباید از اهداف و علت اولیه خود دور شود. علت ایجاد هر پدیده در جهان هستی، علت بقای آن نیز خواهد بود.

مشال دیگر این که تصور کنید یک کجاستی چیزی بهتر باشد آموزش را از آغاز راه تربیت شروع کنیم، چون تربیت بهترین سهم را در انسان‌سازی برده دارد و اگر تعالیم درست انجام شود، می‌توانیم بر آینده شاهد انسان‌های توانمند باشیم. البته در این تعالیم باید به انسان آموخته شود که آرازه باشد، این تعالیم باید بزرگترین بخش به عشق و دوست داشتن اختصاص یابد. عشق‌ورزی به جهان و بشريت پلی است برای رسیدن به جهان بهتر. شاید چنین تصور شود که این گونه نگرستن به دنیا امر مانگ‌رانه و ایدیه‌است باشد اما هر کدام از ما این تجربه را داشته‌ایم که در هر نطفه‌ای که به کای و شرایطی که در آن بوده‌ایم، عشق ورزیده‌ایم، بهترین حس را تجربه کرده‌ایم. و هر چه در این وادی بیشتر پیش برویم، حس سادتمند و مفید بودن را بیشتر تجربه خواهیم کرد. ما انسان‌ها زودبینه داریم به دیگران نسبت می‌کنیم و از عمل حتما در زندگی ما زیاده خواهد داشت. پس می‌توان این گونه گفت که هر کدام از ما باید مبالغ عشق و همنوع دوستی باشیم.

مشال دیگر این که تصور کنید یک

جهان بهتر



در ضرورت عشق‌ورزی به بشریت

| اسمعیل‌هاون‌فر | اعلام |

است. متأسفانه فقر فرهنگی در تمامی ابعاد خود کاملاً مشهود است و این معضل در جوامع بشری مروج می‌زند. البته در بیست پرده این مسائل، کسانی هستند که تنها به متافع خود می‌اندیشند و همان طرز که همه ما مشاهده می‌کنیم، در روز رز در هر گوشه از جهان، دلیلی برای به راه انداختن جنگ پیدا می‌کنند و به نام حقوق بشر، حقوق اولیه آدم‌ها را پایمال می‌کنند. هر یک از ما برای روزگاری آمده‌ایم و باید با دانش و توانایی‌هایمان روزیایی از زندگی را برای دیگران روشن کنیم و بشر امروزی با جهش حتی در ابعاد کوچکتر مانند آژادانه به همنوع خود ظلم روا می‌دارد. ما آدم‌ها نیستیم به هم شناخت نداریم و این عدم‌شناخت و جدا دانستن دیگران از خود باعث این همه وحشیگری و ظلم به هم شده است. ما آدم‌ها جلاز خودخواهی‌هایی هم هستیم. همه این موارد ما را باید به این سوق دهد

است. متأسفانه فقر فرهنگی در تمامی ابعاد خود کاملاً مشهود است و این معضل در جوامع بشری مروج می‌زند. البته در بیست پرده این مسائل، کسانی هستند که تنها به متافع خود می‌اندیشند و همان طرز که همه ما مشاهده می‌کنیم، در روز رز در هر گوشه از جهان، دلیلی برای به راه انداختن جنگ پیدا می‌کنند و به نام حقوق بشر، حقوق اولیه آدم‌ها را پایمال می‌کنند. هر یک از ما برای روزگاری آمده‌ایم و باید با دانش و توانایی‌هایمان روزیایی از زندگی را برای دیگران روشن کنیم و بشر امروزی با جهش حتی در ابعاد کوچکتر مانند آژادانه به همنوع خود ظلم روا می‌دارد. ما آدم‌ها نیستیم به هم شناخت نداریم و این عدم‌شناخت و جدا دانستن دیگران از خود باعث این همه وحشیگری و ظلم به هم شده است. ما آدم‌ها جلاز خودخواهی‌هایی هم هستیم. همه این موارد ما را باید به این سوق دهد

در پی این بوده که فضای فرهنگی برای زندگی کردن بیاید. غافل از این که این فضا ساختنی است نه یافتنی؛ جنبه دیگری که امروزه در دنیا باید به آن توجه ویژه شود، مسأله بهداشت است؛ البته بهداشت از همه ابعاد آن، چه بهداشت روانی و چه بهداشت محیط و مقوله سلامت، در جهان امروز که همه ما به نوسی داعی‌مدار پیشرفته بودن آن هستیم، پیشگیری مهم‌تر از درمان است و متأسفانه بشر امروز با علم به این مقوله همیشه بعد از پیشامد مسائل در پی درمان برمی‌آید. بشر امروز فردان داشته‌های نیست و از این امر نیز ناچار است که این گونه ناکامان برآید و این ناکامی‌ها را با این بهره‌جی‌های بی‌پایه‌ای که در فرار است جهان بهتر می‌سازد. اما از دلایل این همه ظلم بشر به خود و همنوع، فقر فرهنگی و نداشتن دانش

همه این موارد ما را باید به این سوق دهد



اسماعیل قدیمی، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «شهرود» مطرح کرد: توسعه، گذرگاه همدلی و همکاری در کشور

دستاوردهای علمی و پژوهشی در حوزه‌های مختلف، فرهنگ و اقتصاد اخیراً مطالعات علمی خارجی را بر این موضوع کرده بود، که کشورهای که مسیر توسعه حرکت کرده‌اند، این عرصه‌های مختلف سیاست و فرهنگ و اجتماع، نوعی همدلی و همکاری و استقلال فرهنگی به وجود آمده است. مطالعه نشان داده است که در کشوری که استقلال سیاسی ندارد، هیچ وجه امکان رشد فرهنگی وجود ندارد. چون عرصه فرهنگ هم در انحصار قدرت و سرمایه قرار می‌گیرد. مثال زاین نمونه بسیار خوبی است که الگوهای غرب را می‌گیرد، استقلال سیاسی و فرهنگی خود را حفظ می‌کند و الگوهای بازار آزاد و سرمایه‌گذاران خارجی را هم می‌پذیرد. به اعتقاد من این پیشرفت‌ها همه در سایه توسعه علوم انسانی اتفاق می‌افتد.

جامعه است. زاین نیروهای انسانی خود را به کشورهای خارج فرستادند و مأموریت دادند که آخرین دستاوردهای علمی خارجی را برای زاین بیاورند. در این کشور تحول سیاسی و رفتی رخ داد که امپراتور زاین داوطلبانه قدرت خود را به نهادهای مدنی تبدیل کرد. امپراتوری که که کاستل سنت‌گرا و استبدادی بود تبدیل به جامعه‌ای شد که قدرت به نهادهای اجتماعی رسید و براساس دستاوردهای علمی غربی‌ها، نهادسازی کرد. اینطور است که تحولات سیاسی ایجاد شده در کشور، استقلال فرهنگی به وجود می‌آید؛ در این حال، فرهنگ دیگر تکیه بر ارزش‌های سنتی ندارد و رقابت در عرصه‌های جهانی را هم می‌پذیرد. ما هم باید بر علوم اجتماعی و توسعه علوم انسانی سرمایه‌گذاری کنیم تا تفکیک

ادامه از صفحه ۹ | به نظر من حتی در این که ما در مهندسی و پزشکی پیشرفت‌ها جزئی برای گفتن نداریم. متأسفانه هیچ نوع تولید تکنولوژیک نداریم. در واقع توسعه علوم انسانی باعث می‌شود که انسان‌های ما قایل رقابت و دارای ظرفیت رقابت در دنیای امروز نباشند. علوم انسانی زیربنای پیشرفت علوم دیگر است. اگر توسعه انسانی به وجود نیاید و دانشگاه‌های علوم انسانی و اجتماعی که امروز صرف‌کننده تئوری‌های غرب هستند و هیچ کارایی و اثرگذاری در گوشه‌ای از جامعه ندارند، متحول نشوند، هم پیشرفت‌های علمی مسوری در عرصه‌های مهندسی و پزشکی اغلب فردی تلقی می‌شود و نمی‌توان آن را توسعه فکری و جمعی دانست. مثلاً در کشور، مهندسی‌های خوبی داریم، اما به راحتی می‌توانیم آنها را از دست بدهیم. ما به خارج مهاجرت کنند. پس چیزی که در این حوزه ضروری به نظر می‌رسد بازتعریف ساختار دانشگاه‌های کشور در حوزه علوم انسانی است. اگر استقلال علمی به معنای واقعی ایجاد کنیم و استقلال حرفه‌ای دانشگاه‌ها را به رسمیت نشناسیم، پیشرفت‌های علمی در رشته‌های دیگر هم بی‌اثر خواهد بود و تنها تأثیرات فردی دارد و نتیجه علمی پزشکان و مهندسان را بالا می‌برد و در عوض ما در هیچ محفل علمی بین‌المللی جایگاه و مقامی نداریم.



یا این حساب اگر بخواهیم در دنیای بدون امروز، حرفی برای گفتن داشته باشیم، آیا سرمایه‌گذاری در علوم انسانی و رشد این کتار محسوب می‌شود؟ قطعاً همین‌طور است. منظور از توسعه علوم انسانی پیشرفت در همه بنیان‌های